

زیلان وژین - رئیس مشترک حزب حیات آزاد کوردستان

ایران سرزمین استبداد... و خاستگاه آن استبداد رژیم ولی فقیه است

خانم زیلان وژین رئیس مشترک حزب حیات آزاد کوردستان. تاکید کرد که ایران "سرزمین استبداد" است. و خاستگاه استبداد «رژیم ولایت فقیه» است و با اشاره به اینکه انقلاب «ژن ژیان آزادی» که در پاییز ۲۰۲۲ در پی کشته شدن زن جوان ژینا امینی شکل گرفت. گفت: این انقلاب شلیک به مغز دیکتاتور بود.

وژین در گفت و گوی جامع با «شوون ایرانیه» افزود: شکستن هراس از رژیم آخوندها و اعلام صریح نامشروع بودن رژیم جمهوری اسلامی. از نظر تاریخی دستاوردی بسیار مهم است و بعد از شروع اعتراضات پارسال. یکی از تغییرات ریشه‌ای در طول تاریخ ایران و حداقل در طول تاریخ معاصر ایران رخ داده است.

وژین با بیان اینکه یکی از رازهای جنگ‌های آزادی بخش کردها مبارزه ای است که زنان کرد در جستجوی آزادی غصب شده خود انجام دادند. خاطرنشان کرد: آزادی زنان با آزادی‌های دیگر در تضاد نیست. بلکه اساس آزادی واقعی برای کل جامعه است... و متن گفتگو...

حوار - شریف عبد الحمید





انقلاب «ژن، ژیان، آزادی»، شلیک به مغز دیکتاتور است

زیلان وژین: مردم چندین سال است که در ایران تهرین اعتراض می‌کنند. بعد از اتمام جنگ ایران و عراق، مردم به اشکال گوناگون خواستند تا به صحنه‌ی سیاست بیایند. گاه‌ا انتخابات و گاه‌ا کمپین‌های اجتماعی. بعد از انقلاب سال 1979 خلق کرد در سال 1999 و بعد از ربودن عبدالله اوجلان به تظاهرات پرداختند. رژیم ابتدا یک روز در مقابل آن سکوت کرد، زیرا بیست سال بود که برای اولین بار به تظاهراتی غیرحکومتی برمی‌خورد! اما از روز دوم دست به مقابله زد و ده‌ها تن را کشت. بعد از آن گاه‌ا تظاهراتی علیه حکومت روی داد که هر کدام اسبابی و انگیزه‌هایی داشتند. اما طی یک مقطع زمانی رو به خاموشی می‌نهادند. چون محدود بودند، مثلا یک طیف را در بر می‌گرفتند، یا یک قشر را. اما در قیام اخیر تمامی اقشار و اطیاف به پا خاستند. زیرا به غیر از یک قشر الیت، کل جامعه تحت فشار است. ملت‌ها تحت فشار هستند، زنان تحت فشار هستند، جوانان تحت فشار هستند. کل مردم تحت فشار شدید معیشتی هستند. حتی معیشت روزانه به معضلی بزرگ تبدیل شده. محیط‌زیست ایران شدیداً تخریب گشته. و از طرفی آگاهی مردم بسیار بالا رفته و ارتباطات و رسانه‌ها سبب شده‌اند که مردم از کل

خویش محروم هستند، این نیز یک چالش و نقطه ضعف رژیم است. رژیم از بیان حقوق ملت‌ها واهمه دارد، پس نقطه‌ضعف آن است. همچنین «ژینا» یک جوان بود. جوانان در ایران تحت شدیدترین سرکوب بسر برده و آینده‌ی مبهمی دارند و به حکم جوان بودن خویش به این وضعیت معترض هستند. «ژینا» این فاکتورها را با خود داشت، زن بود، جوان بود، کرد بود. وقتی هم به قتل رسید، این سه فاکتور سربرآوردند، زنان به قیام برخاستند، جوانان اعتراض کردند و کردها که سال‌هاست در ارتباط با کردهای سایر بخش‌های میهن‌شان در ترکیه و عراق و سوریه در ارتباط بوده و ملو از آگاهی و انگیزه‌ی مبارزه شده‌اند به پیشاهنگ این اعتراضات تبدیل شدند. به همین جهت ژینا به نماد تبدیل شد.

کشته شدن «امینی» منجر به وقوع طولانی‌ترین اعتراضات ضد رژیم از انقلاب 1357 تا کنون شد... چرا این اعتراضات بیشتر از قیام‌های قبلی طول کشید؟

این روزها سالگرد کشته شدن زن جوان کرد، مهسا (ژینا) امینی است... از زمان اعتراضات پس از مرگ او تا به امروز چه تغییراتی در ایران به وقوع پیوسته است؟

زیلان وژین: بعد از شروع اعتراضات پارسال، یکی از تغییرات ریشه‌ای در طول تاریخ ایران و حداقل در طول تاریخ معاصر ایران رخ داده است. ایران سرزمینی استبدادزده است! ریشه‌ی استبداد کنونی در ایران و جهان نیز «مردسالاری» است. این خیزش و قیام بر علیه مردسالاری و دین‌سالاری و استبداد روی داد. از این ریشه‌ای‌تر چه چیزی می‌تواند باشد؟ وقتی در اثر این انقلاب استبداد و مردسالاری و دین‌سالاری باقی نماند، بدون شک ریشه‌ای‌ترین تغییر را شاهد خواهیم بود. از نظر تاریخی این دستاوردی بسیار مهم است، بویژه از منظر زنان! دوما در چهل سال اخیر شاهد خیزش‌ها و اعتراضات بسیاری گشتیم، اما قیام اخیر کل نظام را هدف گرفت و این هدف‌گیری بسیار آشکار و با زبانی صریح در شعارها بازتاب یافت. کسی در مقاله‌ای گفت بود که: «ژن، ژیان، آزادی، شلیک به مغز دیکتاتور است!»، یعنی مغز و ذهن نظام مورد هدف قرار گرفت. رژیم ایران بر خود لرزید و اندکی نیز فروپاشید.

چگونه مهسا امینی در روند قیام‌های مردمی علیه رژیم آخوندی به «نماد انقلابی» تبدیل شد؟

زیلان وژین: هر انقلابی به سبب معضلاتی رخ می‌دهد، معضلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره. انقلاب‌ها در ضعیف‌ترین نقطه‌ی یک حاکمیت شروع می‌شوند! در ایران معضلات اقتصادی، معیشتی، آزادی‌های فردی و اجتماعی و مذهبی و سایر مشکلات وجود دارند و هرکدام نیز انگیزه‌ی اعتراضات هستند. اما بدون شک فشار بر زنان و نبود آزادی زنان عمیق‌ترین معضل در ایران است. در ایران زنان از حق زندگی و کار و پوشش و بسیاری از سایر حقوق بدهی یک انسان محروم هستند. این امر در عین حالیکه یکی از عمیق‌ترین چالش‌های ایران است، به نقطه‌ضعف و پاشنه‌ی آشیل ایران نیز تبدیل شده است. وقتی معضلی تلنبار شده و حل نشود، قطعاً بعد از مراحل منفجر می‌شود. ریسمانی که کشیده می‌شود، در ضعیف‌ترین نقطه‌ی خویش پاره می‌شود! ریسمان رژیم ایران در ضعیف‌ترین نقطه‌ی خویش یعنی در معضل زن پاره شد. از طرف دیگر «ژینا» امینی یک زن کرد بود، خلق کرد نیز مانند سایر خلق‌های ایران از آزادی‌های ملی





شکستن هراس از رژیم آخوندها و اعلام صریح نامشروع بودن رژیم جمهوری اسلامی، از نظر تاریخی دستاوردی بسیار مهم است



زنان تحت فشار هستند، جوانان تحت فشار هستند. کل مردم تحت فشار شدید معیشتی هستند. حتی معیشت روزانه به معضلی بزرگ تبدیل شده. محیط زیست ایران شدیداً تخریب گشته. و از طرفی آگاهی مردم بسیار بالا رفته و ارتباطات و رسانه‌ها سبب شده‌اند که مردم از کل جهان خبردار باشند. این‌ها سبب شدند که افشار بیشتری وارد صحنه شوند. تحولات منطقه‌ای هم موثر بوده‌اند. بهار خلق‌ها و بهار عربی تأثیر بسیاری بر آگاهی مردم گذاشته. جنگ ضد داعش و تحولات سوریه مستقیماً بر ایران تأثیر می‌گذارند. هم ایران در سوریه فعال است و پشتیبانی از سوریه با ثروت ایرانیان انجام و بدون رضایت آنان انجام می‌شود و هم جنگ کردها با داعش در سوریه بر خلق کرد در ایران بسیار تأثیر گذاشت. جوانان بسیاری از ایران در این جنگ شرکت کرده و کشته شدند. این‌ها همه دست به دست هم دادند و سبب شدند تا اعتراضات بلندمدت‌تر شوند.

تمرین اعتراض می‌کنند. بعد از اتمام جنگ ایران و عراق، مردم به اشکال گوناگون خواستند تا به صحنه‌ی سیاست بیایند. گاه انتخابات و گاه کمیته‌های اجتماعی. بعد از انقلاب سال 1979 خلق کرد در سال 1999 و بعد از ربودن عبدالله اوجلان به تظاهرات پرداختند. رژیم ابتدا یک روز در مقابل آن سکوت کرد، زیرا بیست سال بود که برای اولین بار به تظاهراتی غیرحکومتی برمی‌خورد! اما از روز دوم دست به مقابله زد و ده‌ها تن را کشت. بعد از آن گاه تظاهراتی علیه حکومت روی داد که هر کدام اسبابی و انگیزه‌هایی داشتند. اما طی یک مقطع زمانی رو به خاموشی می‌نهادند. چون محدود بودند، مثلاً یک طیف را در بر می‌گرفتند، یا یک قشر را. اما در قیام اخیر تمامی افشار و اطمینان به پا خاستند. زیرا به غیر از یک قشر الیت، کل جامعه تحت فشار است. ملت‌ها تحت فشار هستند.

جهان خبردار باشند. این‌ها سبب شدند که افشار بیشتری وارد صحنه شوند. تحولات منطقه‌ای هم موثر بوده‌اند. بهار خلق‌ها و بهار عربی تأثیر بسیاری بر آگاهی مردم گذاشته. جنگ ضد داعش و تحولات سوریه مستقیماً بر ایران تأثیر می‌گذارند. هم ایران در سوریه فعال است و پشتیبانی از سوریه با ثروت ایرانیان انجام و بدون رضایت آنان انجام می‌شود و هم جنگ کردها با داعش در سوریه بر خلق کرد در ایران بسیار تأثیر گذاشت. جوانان بسیاری از ایران در این جنگ شرکت کرده و کشته شدند. این‌ها همه دست به دست هم دادند و سبب شدند تا اعتراضات بلندمدت‌تر شوند.

کشته شدن «امینی» منجر به وقوع طولانی‌ترین اعتراضات ضد رژیم از انقلاب 1357 تا کنون شد... چرا این اعتراضات بیشتر از قیام‌های قبلی طول کشید؟

زیلان وژین: مردم چندین سال است که در ایران



در ویدیوی مشهور خمینی در دوران 1980 می‌گوید: کلا هر چیزی که لذت بدهد، حرام است!

شعار "مرگ بر خامنه ای" در سالگرد انقلاب "زن-آزادی-زندگی" به شهرهای ایران بازگشت... آیا ممکن است دوباره تظاهرات بزرگی علیه رژیم آغاز شود؟

زیلان وژین: مهم تنها تظاهرات نیست. مهم معترض بودن خلق و ابراز مطالبات خویش است. خلق‌ها و اقشار جامعه در مقابل بیدادگری رژیم بپا خاستند. مشروعیت نظام از همه نظر از بین رفت. تابوی نظام در اذهان شکسته شد. از آغاز اعتراض‌ها تاکنون چندین فایل صوتی جلسات رژیم به بیرون درز کرده و اسنادی نیز هک شده‌اند که نشان می‌دهند رژیم نیز پایان خویش را می‌دید. این یعنی «آغاز پایان یک دوره!» قطعاً اعتراضات متوقف نشدند. به اسبابی گوناگون از جمله ضعف اپوزیسیون، رسیدن فصل زمستان، عدم پشتیبانی جهانی، سازش رژیم ایران با محافل جهانی و غیره. اما تمامی این موارد به معنی پایان یافتن اعتراضات نیستند. اعتراضات ادامه دارند و قطعاً به اشکالی دیگر سر بر خواهند آورد.

شما چند روز پیش در مصاحبه ای با بی بی سی گفتید که خیلی‌ها معتقدند قضیه تمام شده است، اما جنبش "زن، زندگی، آزادی" آگاهی ایجاد کرده است که نمی‌توان جلوی آن را گرفت... چگونه؟

زیلان وژین: حرف زدن از قضیه‌ی زنان و آزادی زنان در کل خاورمیانه یک تابو به شمار می‌رفت. اما اکنون این تابو شکسته شد. این یک آگاهی عظیم بود. سخن گفتن از حقوق ملی خطری بزرگ به شمار می‌رفت، اما خلق‌های ایران به قیمت کشته شدن فرزندان‌شان از حقوق خویش سخن گفتند، این یک ایجاد آگاهی عظیم بود. دولت ایران خویش را بسیار قوی نشان می‌داد، اما این اعتراضات نشان داد که جمهوری اسلامی آنگونه که خویش را نشان می‌دهد نیز نیست! این یک آگاهی و جسارت قوی بود که ایجاد شد. سر برآوردن شعاری که تمامی خلق‌ها و اقشار را یکجا گرد آورد، یک آگاهی و اراده‌ی عظیم بود که ایجاد شد. اینکه دول جهانی در ضعیف‌ترین حالت رژیم نیز حاضر به سازش با آن هستند نیز یک آگاهی عظیم نزد مردم ایجاد کرد که نباید به امید دخالت خارجی برای گذار از جمهوری اسلامی باشند. این‌ها و ده‌ها مورد دیگر

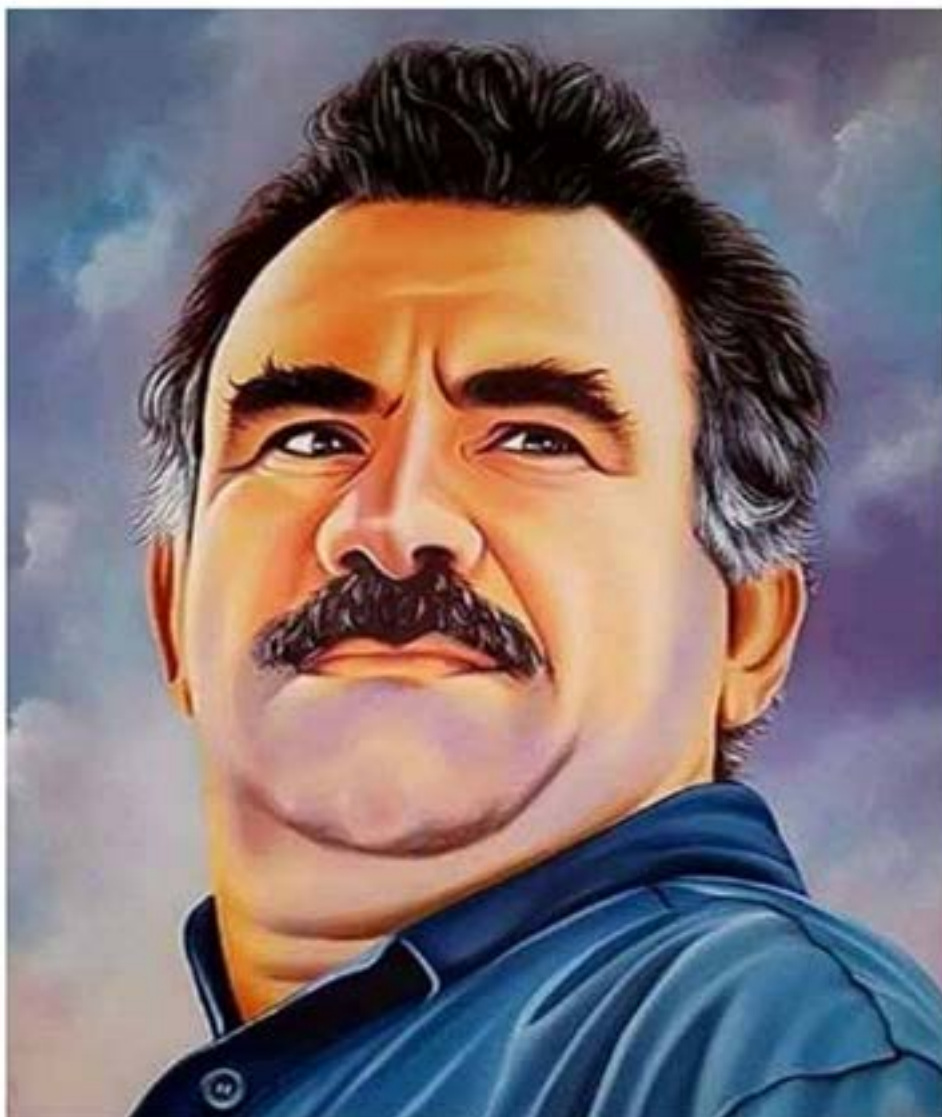




یکی از رمزهای آزاد شدن پتانسیل تاریخی کردها این مبارزاتی است که زنان کرد در راه آزادی خویش انجام داده‌اند



قطعا آزادی زنان بر سایر آزادی‌ها ارجحیت دارد



بیشتر به چشم می‌آیند و بیشتر از مردها جلب توجه می‌کنند. در کوبانی تنها زنان نجات‌یافتند، مردها هم جنگیدند و شاید اگر بشماریم، مردان بیشتر از زنان جان‌باختند. اما زنان به سمبل مبارزه تبدیل شده و موضوع فیلم‌ها گشتند. چرا؟ زیرا عقده‌ای هزاران ساله در حال گشوده شدن است. این امر صورت گرفته و کسی هم قادر به جلوگیری از آن نیست! در مبارزه با جمهوری اسلامی هم آنگونه است. چون پای زنان و بویژه زنان جوان به مبارزه گشوده شد، رژیم بر خود لرزید. تمامی هم و غم رژیم در اجرای قوانین دینی سخت‌گیرانه است که تمامی آنان ضد زن بوده و در جهت منفعل نمودن زنان هستند! وقتی زنان به مبارزه وارد شدند، معنایش این بود که تمامی تلاش‌شان هدر رفته است. این توضیح آن جمله‌ی من است. قطعا آزادی زنان بر سایر آزادی‌ها ارجحیت دارد. این چالشی است که مسکوت گذاشته شده و الان سر برآورده است. سربرآوردن چالشی مسکوت گذاشته شده، به معنای شکسته شدن تابوهاست. این

ارجحیت دارد... به نظر شما چرا آزادی زن بر آزادی های دیگر ارجحیت دارد؟

زیلان وژین: زیرا ظلم اعمال شده بر زنان از ظلم اعمال شده بر ملت‌ها عمیق‌تر است. رهبر ما، عبدالله اوجلان می‌گوید: «زنان اولین ملت به استعمار کشیده شده هستند!» تاریخ ظلم وارد بر زنان هزاران سال است. ما با ظلم و ستمی چندین لایه بر زنان مواجهیم. زنان از جایگاه انسانی پایین کشیده شده‌اند، به حالت ابرار درآورده شده‌اند. بصورت ابزاری برای تبلیغات و تداوم حاکمیت مورد استفاده قرار می‌گیرند. زنان در همه‌جا محبوس هستند. در اذهان محبوس هستند. آیا وقتی چنین ظلمی وجود دارد، می‌توان ظلم دیگری را بر آن ارجح شمرد؟ البته که زنان باید از این وضعیت رها و آزاد شوند تا بتوان دم از آزادی واقعی زد! یکی از رمزهای آزاد شدن پتانسیل تاریخی کردها این مبارزاتی است که زنان کرد در راه آزادی خویش انجام داده‌اند. به همین جهت هم هست که

«آگاهی» هستند. این‌ها در این مرحله بوجود آمدند و دیگر مردم «چارچوب» لازم برای مبارزه را درک کردند. همچنین ماهیت اپوزیسیون‌های منفعل برای مردم برملا شد، کسانی که سعی داشتند با تلاش رسانه‌های خارجی همچون اپوزیسیون نشان داده شوند نیز برملا شدند. ماهیت گروه‌ها آشکار شد. الان مسیر روشن‌تر گشته. مردم می‌دانند که چه می‌خواهند، چه باید بکنند، به چه کسانی اعتماد کنند و از چه کسانی و یا نیروهایی انتظاری نداشته باشند. چارچوب ذهنیتی لازم برای گذار از این رژیم فاشیستی تقریبا شکل گرفته. مگر می‌توان جلو این‌ها را گرفت؟ این آگاهی‌ها دیگر غیرقابل بازگشت هستند. چیزهایی که به بهای خون دادن یاد گرفته می‌شوند، دشوار از یاد می‌روند. این است آگاهی بی‌بازگشت در اذهان.

در یکی از مصاحبه‌هایی که با شما انجام شد، اشاره کردید که آزادی زن ایرانی بر آزادی ملی

امر قطعا دستاوردهایی برای کل انسانیت اعم از زن و مرد در پی خواهد داشت.

شما در بیانیه های یکی از شبکه های ماهواره ای دیدید که فرصت بزرگی برای افزایش دستاوردها از طریق انقلاب «زن، زندگی، آزادی» که در شرق کردستان آغاز شد فراهم شد... ماهیت دستاوردهای به دست آمده چیست؟

زیلان وژین: به بسیاری از دستاوردها اشاره کردم. ایجاد آگاهی انقلابی در تطابق با واقعیت امروز، بزرگترین دستاورد است. یعنی دستاوردی ذهنیتی. شکسته شدن ترس از رژیم و اعلام آشکار عدم مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی دستاوردی است بسیار بزرگ. ایجاد اراده ای مردمی دستاوردی عظیم است که دیگر قابل بازگشت نیست. برملا شدن ماهیت کسانی که ادعا داشتند مخالف جمهوری اسلامی هستند، دستاوردی بزرگ است. زیرا این خیزش علیه مردسالاری است که در درون نیروهای مخالف جمهوری اسلامی هم وجود دارد! نیروهایی که سعی دارند در مقام اپوزیسیون ظاهر شوند، تا مغز استخوان مردسالار هستند. این انقلاب ضد آن‌ها هم هست و برملا شدن ماهیت زن‌ستیز و فاشیستی آنان دستاوردی است. زیرا اگر انقلاب به ثمر برسد و اندکی نیست. چنین نیروهایی به قدرت برسند، هیچ تفاوتی با جمهوری اسلامی نخواهند داشت. برای زنان هیچ چیز تغییر نخواهد کرد، برای خلق‌ها و جوانان چیزی تغییر نخواهد یافت! پس انقلاب هم محسوب نخواهد شد. در کل بر خود لرزیدن نظام دستاوردی است و برملا شدن مخالفان شبیه رژیم نیز دستاوردی دیگر. حضور زنان هم دستاوردی کاملا متفاوت است. مطرح شدن سازمان‌هایی همچون سازمان ما که بر پایه آزادی زن مبارزه می‌کنند نیز نعمتی است برای خلق‌های ایران و اقشار جامعه، زیرا نوید آزادی واقعی را می‌دهند.

بسیاری نمی‌دانند که شعار «زن - زندگی - آزادی» برگرفته از فلسفه رهبر زندانی کرد عبدالله اوجلان است... پس چگونه این شعار انقلابی به معترضان ایرانی راه پیدا کرد؟

زیلان وژین: از چند طریق: اولاً کردها تقسیم بر چهار شده‌اند اما شدیداً با هم ارتباط دارند و دستاوردهای کردها در یک کشور به راحتی به سایر کردها انتقال می‌یابد. یکی از دستاوردها نیز مبارزات زنان بود که در شمال کردستان (در ترکیه) آغاز شد و در روژآوا (شمال شرق سوریه)



دها و صدها جوان از شهر سقز اکنون عضو سازمانی هستند که معتقد به افکار عبدالله اوجلان است و او را رهبر خویش می‌دانند



وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا یکی دو ماه پس از آغاز خیزش‌ها گفت: ما از مطالبات خلق ایران پشتیبانی می‌کنیم، اما نمی‌خواهیم رژیم فروپاشد

به اوج رسید و جهانیان با آن آشنا شدند. زنان کرد بسیاری در شمال کردستان وارد آن مبارزات شدند، در کوبانی و در کل در شمال شرق سوریه زنان کرد ایرانی بسیاری مبارزه کرده، زخمی شده و شهید شدند. بسیاری از آنان نیز کوله‌باری از تجربه اندوختند. کردها بر اساس این فلسفه سال 2004 حزب حیات آزاد کردستان را تأسیس کردند و بیست سال است که تبلیغات این تفکر را در ایران گسترش می‌دهند. هزاران صفحه در این باب به زبان فارسی نوشته و پخش کرده‌اند و امکانات تکنولوژی دیجیتال نیز به کمک آنان آمده تا این افکار خارج از اراده ای رژیم ایران به تمامی نقاط ایران برسند. امکانات رسانه‌ای نیز بی‌تأثیر نبوده‌اند. کسی که برای اولین بار شعار «ژن، ژیان، آزادی» را به هنگام به خاک سپاری ژینا سر داد، یک طرفدار افکار عبدالله اوجلان بود! ده‌ها و صدها

جوان از شهر سقز اکنون عضو سازمانی هستند که معتقد به افکار عبدالله اوجلان است و او را رهبر خویش می‌دانند. جنگ ضد داعش و تبلیغات رسانه‌ای و سینمایی و در کل هنر نیز در اشاعه این افکار نقش مهمی داشته است

این تحول انقلابی چگونه اتفاق افتاد؟

مردم ایران و بویژه خلق‌های تحت ستم نیز در جستجوی تفکر و شعار و نمادهایی برای مبارزه بودند. شعار وجود داشت، مبارزه برای آن در همسایگی ایران و در جاهایی مثل سوریه که مستقیماً به ایران ربط داشت صورت گرفته بود. آشنایی وجود داشت و وقتی این شعار سر داده شد، دیدیم که تا چه اندازه نفوذ کرده است. خود رهبران عبدالله اوجلان گفته بود که «این شعاری سحرانگیز و افسونی است!» و ما افسونش را دیدیم با قدرتی عظیم که در جهان بازتاب یافت. بر سر در شهرهایی چون پاریس و روم بصورت آفیش آویزان شد، پیرامون آن آثار هنری بوجود آمدند. شخصیت‌هایی بزرگ از آن حمایت کردند. و قطعا کسی نخواهد توانست جلو آن را بگیرد. بسیاری در پی انحراف آن برآمدند اما این شعار چنان قدرتمند است که تمامی این تلاش‌ها نیز نتیجه‌ای در بر نداشتند. این قدرت موجود در تفکرات رهبران را نیز نشان می‌دهد.

شما در اظهارات خود به خبرگزاری فیرات معتقد بودید که نیاز مبرمی به ایجاد تغییرات دموکراتیک در ایران وجود دارد و راه حل آن در اتخاذ «خط سوم» است... پس این خط سوم چیست؟

زیلان وژین: بصورت خلاصه بگویم: خط سوم خطی است که نه امیدی به اصلاح رژیم‌های توتالیتر کنونی دارد و نه چشمداشتی از نیروهای خارجی. جهت تغییر. خط سوم بیشتر خط تقویت مبارزه و مدیریت مردمی است که سعی دارد غیردولتی باشد. زیرا در فلسفه پشت‌زمینه‌ی خط سوم، خود دولت و حاکمیت مشکل و معضل محسوب می‌شوند، پس سعی دارند که نظامی را برپا دارند که بر پایه‌ی مشارکت مردمی و دموکراسی مستقیم باشد تا اراده‌ی تمامی اقشار و خلق‌ها و رنگ‌ها در مدیریت جامعه بازتاب داشته باشد. این آزمونی است برای رهایی از خود مقوله‌ی «دولت» و یا «حاکمیت». آزمونی که اجرای آن دشوار است اما بدون شک درمانی است برای مشکلات ناشی از اقتدار و قدرت که به نوعی تمامی آن‌ها منجر به نابرابری و ناعدالتی و تبعیض می‌شوند.



می‌توانند همانند برخوردی را با آمریکا داشته باشند که کردهای موجود در مرزهای سوریه دارند، آمریکا نیز می‌تواند یک نوع برخورد را با کردهای موجود در تمامی کشورها داشته باشد. سیاست آمریکا سیاستی منفعت‌طلبانه است و اگر منافع کردها با منافع آن همسو نباشد، قطعاً توجهی به کردها نشان نخواهد داد. مقصود بیشتر سیاستی بود که در سوریه در قبال کردها در برابر ترکیه در پیش گرفته شده. در آنجا آمریکا قدرت ممانعت از ترکیه در فشارشان بر کردها را دارد اما این را در چارچوب برنامه‌ای معین و گاه به ضرر کردها انجام می‌دهد. در نمونه‌ی اشغال شهر سری‌کانی آن را دیدیم. آمریکا در تعیین سیاست‌هایش در سوریه از طرفی با کردها بعنوان شرکایش در جنگ با داعش روبرو است و از طرف دیگر با ترکیه بعنوان عضو ناتو و این چالش اکثراً به ضرر کردها تمام شده است. قطعاً نباید فراموش نمود که برخورد کردها نیز تعیین‌کننده است. مثلاً در جنوب کردستان در عراق، بارزانی علی‌رغم هشدار آمریکا دست به برگزاری رفراندومی زد که عاقبتش را می‌دانیم. به‌رحال کردها باید هشیارانه برخورد کنند تا هم خط سوم در زندگی مسالمت‌آمیز با خلق عرب و ترک و فارس را حفظ نمایند، هم با منافع

سبب بحران‌ها خود، در مقابل رژیم‌های توتالیتر بسیار مماشات می‌کند. همین امر را در تعامل با رژیم ترکیه می‌بینیم. قطعاً این‌ها به ضرر مردم ایران هستند.

شما در همان مصاحبه با بی بی سی گفتید که مسئله کردها مانند کارتی در دست آمریکا و کشورهای منطقه است که وقتی اوضاع عادی می‌شود از آن استفاده می‌کنند اما در موارد خاص از آن به عنوان ابزاری برای تضعیف استفاده می‌کنند. و کردها را تقسیم کنید... می‌توانید آن را برای ما توضیح دهید؟

زیلان وژین: مسئله‌ی کردها یک گره کور است. کردها مورد انکار واقع شده‌اند اما به سبب قدرت فرهنگی و اجتماعی خویش از بین نرفتند و یا به وضعیتی همانند ارمنیان دچار نگشتند! ضررهای زیادی دیدند اما جامعه‌ی کرد توانست با ارائه‌ی افکاری نوین که در تزه‌های رهبرمان عبدالله اوجلان بازتاب یافته مسیر جدیدی را برای خویش بگشاید. وضعیت کردها در هر بخش از کردستان نیز متفاوت است و این سبب شده که هر نیرویی نیز بخواهد از کردها استفاده کند و این در طبیعت سیاست جهانی وجود دارد. تعامل با نیرویی همچون آمریکا نیز دشوار است. کردهای واقع در مرزهای ترکیه

حامد اسماعیلیون نویسنده کانادایی ایرانی الاصل به غرب نسبت به «مماشات» ملاحا و جلوگیری از انقلاب کبیر ایران هشدار داد... پس سیاست غرب را در قبال رژیم، به ویژه پس از معامله اخیر مبادله زندانیان بین واشنگتن و تهران چگونه می‌بینید؟

زیلان وژین: یکی از اسباب به پیروزی نرسیدن خیزش‌های اخیر در ایران، تعامل جهانی با رژیم ایران بود. وزیر خارجه‌ی ایالات متحده آمریکا یکی دو ماه پس از آغاز خیزش‌ها گفت: «ما از مطالبات خلق ایران پشتیبانی می‌کنیم، اما نمی‌خواهیم رژیم فروپاشد!» این جمله به تنهایی نشان می‌دهد که برخورد نظام جهانی چه تأثیر منفی‌ای بر خیزش‌گران و روند انقلاب برجای گذاشت. جمهوری اسلامی از کارت‌ها و اهرم‌های موجود در دستش همانند حوثی‌ها و یا مسئله‌ی موشکی و اتمی استفاده کرده، امتیازاتی محدود داد و دروازه‌ی دیپلماسی مهمی را برای خویش گشود و اینگونه نفس کشید. دول غربی در اتخاذ موضع ضد دولت ایران بسیار ضعیف عمل نمودند. تروریستی را که به سی سال حبس محکوم شده بود به ایران تحویل دادند. در ازای آزادی برخی شهروندان آمریکایی میلیارد‌ها دلار به رژیم ایران تحویل دادند که هرکدام نفسی بود برای رژیم. بسیار واضح است که این‌ها سبب تقویت رژیم ایران گشته و طبعاً به ضرر مخالفان رژیم است. نظام جهانی به

زیلان وژین: برنامه‌ی پیشنهادی ما ایجاد مدیریتی مردمی و دموکراتیک است. فرم مورد نظر ما «خودمدیریتی دموکراتیک» است که در آن اجزای مختلف جامعه در تعیین سیاست‌ها سهیم باشند. آزادی زنان و مشارکت برابرشان تحقق یافته و این امر در قوانین و حقوق بازتاب یابد، تمامی ملت‌ها قادر باشند بر اساس فرهنگ و زبان خویش زندگی کنند. دولت مرکزی در موضوعاتی نظیر دفاع و دیپلماسی و امور مالی نقش مشترک داشته و سایر امور به مناطق بومی محول شده باشند. به مسائل اکولوژیک و زیست بومی توجه کافی شده و شخصیت انسان در تطابق با طبیعت تربیت و پرورش داده شده و امور اقتصادی و بویژه صنعتی در کمترین مغایرت با طبیعت باشند. اقتصاد در این نوع مدیریت نه بر اساس سود بیشینه بلکه بر اساس نیازهای جامعه باشد، اندوخته‌های جامعه صرف آبادانی و زندگی انسانی‌تر و تحقیقات و امور علمی شود.



در کل طرفدار یک نظام لامرکزی و دموکراتیک هستیم که بر اساس پرنسپ‌های معاصر بشری و مناسب با سطح پیشرفت‌های علمی باشد تا برای منطقه نیز به مدل و الگویی ایده‌آل تبدیل گردد. ما نظام مورد نظر و پیشنهادی خویش را کنفدرالیسم دموکراتیک می‌نامیم، اما محتوا برایمان از وجه تسمیه مهم‌تر است. ایمان داریم که این راه دموکراتیک و پلورالیست خدمت بزرگی به ایران و صد البته به کل منطقه خواهد کرد. در قرن بیست و یکم که قرن علم و پیشرفت بسیار سریع است، باید از مشکلات ساخته‌ی اذهان معیوب‌رهایی یابیم و با یک همزیستی مسالمت‌آمیز با موج جهانی پیشرفت انسانی همراه و همگام شویم.

ایجاد اتحاد، تلاش جهت یافتن نقاط مشترک میان معتقدان به این افکار مختلف و گاه متضاد هست. تلاشی است جهت کمرنگ کردن نقاط اختلاف و پررنگ کردن نقاط مورد اتفاق. تلاش ما در این جهت است. این تنها تلاشی جهت اتحاد داخلی کردها نیست. با سایر ملت‌های موجود در ایران هم چنان مسئله‌ای داریم. کردها در چارچوب مرزهای ایران با ملت ترک آذری، عرب، فارس همسایه بوده و با ملت‌هایی نظیر گیلکی و مازنی و بلوچ و ترکمن اشتراکاتی دارند. تمامی این‌ها به کار و فعالیت و مبارزه نیاز دارند تا بتوانیم بر مشکلاتش فایق بیاییم و ما در حال چنان مبارزه‌ای هستیم.

برای آینده ایران پس از پایان حکومت آخوندها چه برنامه‌ای دارید و ماهیت نظام سیاسی پس از سقوط رژیم را چگونه می‌بینید؟

منطقه‌ای و جهانی درنیفتند و هم معضلات انکاری که بر آنان اعمال شده را از بین بردارند. این چالش چند بُعدی کردهاست که متأسفانه هزینه‌ی بسیاری هم دارد.

از تشکیل جبهه واحد برای احزاب کردی زیاد صحبت می‌کنید... چرا هنوز نتوانسته اید یک جبهه مشترک بسازید؟

زیلان وژین: یکی از مسائل اساسی انقلاب‌ها مسئله‌ی اتفاق و اتحاد است. کردها ناچارند تا به یک اتفاق نظر برسند. همچنین نیروهای مخالف رژیم ایران نیز ناچارند تا به اتفاق نظری در مقابل رژیم و در جهت گذار از آن برسند. تفاوت جهان‌بینی‌ها و پیشینه‌ی مبارزاتی و سنت گروه‌ها و احزاب مانعی در مقابل ایجاد اتحادهاست. گروهی از احزاب کردی معتقد به ملی‌گرایی و ناسیونالیسم هستند، گروهی معتقد به افکار سنتی چپ هستند و ما نیز با تفسیری نوین از چپ و با پارادایم «اکولوژیک، دموکراتیک و آزادی زن» وارد عرصه‌ی مبارزه شده‌ایم. تلاش جهت